

گزارش

دو جهان بینی متضاد بر سر میز مذاکره بازنویسی قواعد مذاکره

در عرصه پیچیده سیاست بین الملل، جایی که مرز میان امکان و امتناع درهم آمیخته و کشمکش میان منافع و اصول شدت گرفته، مذاکره لزوماً به منزله راه حلی قطعی برای پایان منازعات تلقی نمی‌شود. در بسیاری از موارد، این فرآیند به صحنه‌ای برای مدیریت موازنه متغیر قدرت و رصد تحولات ساختاری در مناسبات بازیگران جهانی تبدیل می‌گردد. در چنین چارچوبی است که راجر فیشر، ویلیام یوری و بروس پاتون، مفهوم «نشتن‌ بر سر سر میز مذاکره» اصراف‌به‌عنوان ابزاری برای حل بحران نمی‌بیند؛ بلکه آن را به مثابه هدفی مستقل و راهبردی تلقی می‌کنند. در چنین چارچوبی، حضور مستمر در فرآیند مذاکره به ابزاری برای تثبیت هویت سیاسی و بازتولید کششگری راهبردی تبدیل می‌شود. از این رو جای شگفتی نیست اگر کشورهایی که این رویکرد را اتخاذ کرده‌اند، اهداف خود را نه در پیروزی‌های آتی، بلکه در فرسایش تدریجی فضای بین‌المللی، تحلیل توان رقبا و استهلاک سازوکارهای فشار تعریف می‌کنند. در این راهبرد، زمان نه تهدید، بلکه «متحدی استراتژیک» تلقی می‌شود؛ عاملی‌که می‌تواند مواضع طرف مقابل را دگرگون ساخته و از انسجام جبهه‌های داخلی و خارجی فشار بکاهد. از این منظر، ایران در مدیریت نزدیک به ۲۱ ماه مذاکره، کمتر به عنوان طرفی ظاهر شده به دنبال پایان سنتی یک گفت‌وگو باشد؛ بلکه بیش‌تر به بازیگری شباهت دارد که خوو فرآیند مذاکره را به عنوان یک سرمایه راهبردی تلقی کرده است. در هر نشست، هر دیدار دیپلماتیک و هر بیانیه رسمی، تهران در حال بازسازی روایتی از خود است؛ روایتی از یک کنشگر مشروع، تثبیت‌شده و حذف‌ناپذیر در نظم جهانی. تداوم حضور ایران بر سر میز مذاکرات، نه تنها نمادی از پایداری سیاسی بلکه ابزاری برای تثبیت نوعی شناسایی بین‌المللی است که حتی با تغییرات در توازن قدرت نیز به‌سادگی قابل انکار نخواهد بود؛ و شاید اغراق نباشد اگر گفته‌شود آن جمله معروف وزیر امور خارجه ایران که تأکید کرد «آمریکا میز مذاکره را ترک کرد، اما ایران همچنان بر سر آن نشسته است»، نه صرفاً یک موضع‌گیری تبلیغاتی، بلکه بازتابی از درکی عمیق و ساختاری از ارزش ذاتی مشارکت در فرآیند مذاکره بود؛ حضوری که خود، مستقل از محتوای هر توافق خاص، به یک دارایی استراتژیک تبدیل شده است.

فرش ایرانی و میز آمریکایی

بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید در آغاز سال ۲۰۲۵ همراه با همان دوازده شرط سخت‌گیرانه‌ای که پیش‌تر نیز هرگونه توافق پایدار را از مسیر خارج کرده بود، موجب نشده تهران از الگوی مذاکره محور خود عدول کند، بلکه برعکس، ایران بار دیگر توانسته تلیفقی از صبر استراتژیک و ابتکار تاکتیکی را به نمایش بگذارد؛ مشارکتی حساب‌شده در کانال‌های غیررسمی و پشت پرده نظیر مسیرهای ارتباطی مسقط و رم، بی‌آنکه وارد بازی امتیازدهی زود هنگام با قمارهای سیاسی کوتاه‌مدت شود. تهران به درستی تشخیص داده است که صرف بازنگه داشتن دروازه گفت‌وگو می‌تواند سرعت تحریم‌های جدید را مهار کرده و در عین حال، فضایی حیاتی برای مانور راهبردی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد. از این منظر، آخرین نمودهای استراتژی ایران، نه به عنوان واکنش‌هایی مقطعی، بلکه به مثابه امتداد طبیعی یک راهبرد بلندمدت قابل درک هستند. این راهبرد بر بنیانی از درک ژرف از منطق چماق و هویج استوار است و با بهره‌برداری سنجیده از تضادهای ساختاری در مواضع قدرت‌های غربی، هماهنگ با قاعده طلایی نظریه پردازان واقع‌گرای مذاکره عمل می‌کند؛ اینکه پیروزی واقعی، نه در تحمیل اراده، بلکه در آن است که رقیب را وادار سازی بر مبنای منافع تو رفتار کند؛ بی‌آن‌که لزوماً از عقب‌نشینی خود آگاه باشد. امروز، در حالی‌که دورویکرد اساساً متضاد در برابر یکدیگر پشت میز مذاکره نشسته‌اند، صحنه بیش از آن‌که تداعی‌گر جدالی فنی بر سر بندهای توافق باشد، به نمایشی نمادین از دو جهان بینی متفاوت شباهت دارد.

دام نرم دیپلماسی ایران

اگر زمان در اختیار کسی است که هنر ساختش را می‌داند، آنگاه ایران همچون نساجی صورت‌نه‌تهنابر سر میز مذاکره نشست، بلکه حضورش را به‌بینی ژرف و چندلایه تبدیل ساخت؛ آیینی که در آن، کلمات نه بر زبان، که در تار و پود احتمالات تنیده می‌شوند و صبر، با رنگ‌هایی از احتیاط، درنگ و تأمل، معنا می‌یابد. تهران توانست در این دقای خوش و کش‌دار، قواعد بازی را نه با شکست‌ن یا تقابل مستقیم، بلکه با رام‌کردن زمان و معلق نگه داشتن آن به سود خویش بازنویسی کند؛ تا جایی‌که مواضع طرف‌های مقابل، آرام و بی‌صدا دگرگون شدند. پیش از آن‌که ایران از گریز به جابه‌جایی در موضع خود شود؛ و شاید، چنان‌که برخی نشانه‌های امروز حکایت دارند، همین فریب نرم، آرام و زیرپوستی، ایالات متحده را نیز دگرگر خود کرده باشد؛ کشوری که عادت دارد توافقات را با شتاب ببندد و موفقیت را در سرعت و دست‌یابی آتی معنا می‌کند. اما این بار، ممکن است در دام بازی‌ای گرفتار شود که نه فقط کندتر از آن است که در نگاه نخست به چشم آید، بلکه عمیق‌تر از آن است که بتوان آن را مصفا از خلال مفاد رسمی و متن قراردادها فهم کرد.

دوشنبه

۲۲ • ۰۲ • ۱۴۰۴

۱۴ ذی القعدة ۱۴۴۶ / ۱۲ / ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۱۰۵

armanmelir

دور چهارم مذاکرات

کشایش یابن بست در گفت وگو؟



است. وال استریت ژورنال در گزارشی تأکید کرد که آمریکا ممکن است درازای نظرات‌های گسترده‌تر، برخی تحریم‌ها را کاهش دهد. چه آنکه عراقچی نیز بر این موضع تأکید دارد که رفع تحریم‌ها پیش‌نیاز هر توافقی است. این در حالی است که اظهارات ویتکاف که خواستار برچیدن تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان شد، خط قرمز ایران است. عراقچی در این زمینه تأکید کرد: «ما برای اعتمادسازی آماده‌ایم، اما توقف غنی‌سازی غیرممکن است.» در همین راستا جروزالم پست در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ نوشت که اسرائیل، که از این موضع حمایت می‌کند، ممکن است با فشار بر آمریکا، مذاکرات را به بن بست بکشانند.

این در حالی است که تلاش آمریکا برای گنجاندن برنامه موشکی ایران در مذاکرات، با مقاومت تهران مواجه شده است. در همین حال، رادیو بین‌المللی فرانسه گزارش داد که این موضوع می‌تواند مذاکرات را از ریل خارج کند. دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا در چنین فضایی آغاز شد، جایی که اظهارات ویتکاف درباره برچیدن تأسیسات غنی‌سازی و پاسخ قاطع عراقچی درباره صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، اعتماد را تضعیف و اختلافات حول غنی‌سازی، راستی‌آزمایی و مسائل منطقه‌ای، مذاکرات را به یک آزمون دیپلماتیک تبدیل کرده است. نقاط احتمالی توافق، مانند غنی‌سازی محدود و کاهش تحریم‌ها، وجود دارد. اما اصرار آمریکا بر توقف کامل غنی‌سازی یا گنجاندن مسائل موشکی می‌تواند مذاکرات را به بن‌بست بکشانند. کارشناسان سیاسی معتقدند خوشبینانه‌ترین وضعیت در پایان مذاکرات ایران و آمریکا، دسترسی به توافقی موقت حول نقاط اشتراک نظر خواهد بود.

شده دور چهارم مذاکرات شامل بررسی

نقاط تفاهم و توافقات است و شامل مسائل فنی نمی‌شود. رانمی‌توان عقب‌گرد دانست. وی ادامه داد: به اعتقاد من این ماجرا را می‌توان اینگونه تعبیر کرد که هنوز جهت مشخص نشده است. من موضوع تغییر وضعیت از حالت فنی به حالت غیر فنی را ساده‌انگاری نمی‌کنم یا نمی‌گویم اهمیت ندارد. اما این موضوع را عقب‌گرد هم تلقی نمی‌کنم. بلکه معتقدم شاید در پشت پرده، بین طرفین، اختلاف نظرهایی جدی یا سوءتفاهماتی رخ داده که دو طرف نیاز می‌بینند، مجدداً روی محوره‌ای تفاهم متمرکز شوند. این اتفاق در روند مذاکرات کاملاً عادی است و برای هر نوع مذاکره‌ای هم رخ می‌دهد. وی افزود: در روند مذاکرات ایران و آمریکا با بحث اولویت‌های سیاسی نیز مواجهیم. هم ایران و هم آمریکا تمام تلاش خود را به کار می‌بندند، که آن چه برای آنها اهمیت دارد، در اولویت قرار دهند. جزئیات کارشناسی و پیچیدگی‌های آن نیز در نوع خود بسیار مهم و اثرگذار خواهد بود اما تا زمانی که در بخش اول، توافقی حاصل نشود، در بخش‌های دیگر نیز امکان ایجاد گره و افزایش مشکلات وجود خواهد داشت. بنابراین نتیجه‌ای که من از تغییرات دور چهارم مذاکرات و تغییر رویکردها می‌گیرم این است که اختلاف نظرهایی وجود دارد که لازم است حل شود. به اعتقاد من منظور ویتکاف از این که لازم است توافقی قوی و قدرتمند شکل بگیرد، به همان شطرنجی باز می‌گردد که با آمریکا بازی می‌کنیم. در جریان هم ما شطرنج بازی کردیم تا به نتیجه رسیدیم. در این بازی شطرنج اما برنده و بازنده نداریم. طرفین در این مذاکرات باید به دنبال بازی برد برد باشند، هرچند حریف ما نه تنها به هیچ اصول و قواعدی پایبند نیست، بلکه به راحتی آماده است در هر زمانی زیر میز مذاکرات بزند. بنابراین سرنوشت مذاکرات بسیار پیچیده‌تر از آن است که بر اساس دور چهارم مورد قضاوت قرار گیرد.

بود: «ایران نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد.» اما ایران غنی‌سازی را «حق مسلم» خود می‌داند. این درحالی است که عراقچی تأکید کرده: «ایران طبق پیمان منع اشاعه (NPT) حق چرخه کامل سوخت هسته‌ای را دارد.» در همین حال، وال استریت ژورنال در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ نوشت که این اختلاف، بزرگ‌ترین مانع مذاکرات است. آمریکا بر ایجاد یک «سامانه راستی‌آزمایی سخت‌گیرانه» تأکید دارد. ویتکاف در مصاحبه با فاکس نیوز در مصاحبه تحت فشار داخلی در هر دو کشور قرار دارد: در ایران، افکار عمومی و مقامات خواستار حفظ غنی‌سازی هستند، در حالی که در آمریکا، جمهوری خواهان و اسرائیل خواستار توقف کامل برنامه هسته‌ای ایران‌اند. در همین حال، یورونیوز تحلیل کرده که میانجی‌گری عمان، که در دوره‌های قبلی فضایی «دوستانه» ایجاد کرد، این بار با چالش‌های بیشتری مواجه است. اسپوتنیک در نیز گزارش داد که روسیه و چین، متحدان ایران، از مذاکرات حمایت می‌کنند، اما از «مواضع غیرسازنده» آمریکا انتقاد کرده‌اند. تایمز اسرائیل هم نوشت که اسرائیل، که خواستار «مدل لیبی» (برچیدن کامل برنامه هسته‌ای) است، از موضع سخت‌گیرانه ویتکاف استقبال کرده، اما نگران عدم هماهنگی با واشنگتن است.

محورهای اختلاف

آمریکا خواستار توقف کامل غنی‌سازی و برچیدن تأسیسات کلیدی ایران است. ویتکاف در ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ بر بریتبارت گفت: «برنامه غنی‌سازی نباید در ایران وجود داشته باشد.» این موضع با اظهارات سنگینو کاخ سفید همخوانی دارد که در ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ گفته

نمایندگان ایران و ایالات متحده روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه دور جدیدی از مذاکرات هسته‌ای را در عمان برگزار کردند. این مذاکرات پیش از سفر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به خاورمیانه انجام شد. عباس عراقچی در مصاحبه‌ای ویدیویی درباره دور جدید مذاکرات گفته بود: «مذاکرات در حال پیشرفت است و طبیعتاً هرچه جلوتر می‌رویم، مشورت‌ها بیشتر می‌شود و هیئت‌ها زمان بیشتری برای بررسی مسائل نیاز دارند. اما مهم این است که در حال پیشرفت هستیم تا به تدریج وارد جزئیات شویم.» استیو ویتکاف نیز در این خصوص گفته بود: «من حقیقتاً باور دارم باید برای حل و فصل منازعه با ایران از طریق گفت‌وگو تلاش کرد، زیرا این راه حل پایدارتر از هر جایگزین دیگری است. اگر ایران را قناعت کنیم دست از برنامه غنی‌سازی هسته‌ای بردارد، وضعیت دائمی را تضمین خواهیم کرد که ایران به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت. اگر مذاکرات روز یکشنبه آتی با ایران ثمربخش نباشد، ادامه نخواهد یافت و ما باید روند مختلفی را پی بگیریم.» سی‌ان‌ان نیز در این باره مدعی شده بود که مذاکرات یکشنبه در عمان بین آمریکا و ایران، شامل تیم‌های فنی نخواهد بود، بلکه فقط در سطح بالا و برای پیشبرد تفاهمات خاص خواهد بود.

آمریکا و عادت به تهدید

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: آمریکا به تهدید کردن از طریق پیام‌رسانی عادت دارد اما این که بگوئیم دور چهارم مذاکرات پس از سخنان اخیر ویتکاف، سرنوشت‌ساز بوده است، چندان منطقی نمی‌دانم. آمریکایی‌ها حداکثر تا آخر تیرماه فرصت دارند که تکلیف مذاکرات را مشخص کنند و در نتیجه بخشی از آن چه ویتکاف گفته به علت همین محدودیت زمانی است. محسن جلیوند گفت: در آستانه سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه، آن چه ویتکاف گفته را می‌توان نشانه‌ای برای پیش‌آگاهی ویژه‌ای دانست که وی سعی

کرده به ایران اعلام کند. این را هم می‌دانیم که مذاکرات کارشناسی موقتاً متوقف شده است و اگر همه این‌ها را روی هم گذاشت در با هم جمع کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که دور چهارم مذاکرات پایان مذاکرات نیست، بلکه چارچوب‌های کلی مذاکرات بعدی را مشخص خواهد کرد. وی افزود: همه این‌ها در شرایطی است که هیچ یک از طرفین خواسته‌های جدید یا دیگری نداشته باشند. مطرح شدن ادعای جدید سایت هسته‌ای سمنان را نیز می‌توان بخشی از یک شیطنت با هدف پنهان‌آوری در آستانه مذاکرات دانست. با این وجود ایران نیز بارها بر مواضع هسته‌ای خود و صلح‌آمیز بودن این موضوع تأکید کرده است. با همه این‌ها نمی‌توان به طور قطعی گفت که دور چهارم مذاکرات به چه نتایجی



رسیده است. یکی از گمانه‌زنی‌های اصلی بر اساس آن چه ویتکاف مطرح کرده این است که آمریکا شرط خواهد گذاشت در ازای کاهش یا لغو تحریم‌ها و عدم حمله نظامی، ایران نیز برنامه هسته‌ای خود را تا حد قابل توجهی محدود کند یا به سطحی برساند که اطمینان کامل برای عدم دسترسی به سلاح هسته‌ای را ایجاد کند. در مرحله بعدی هم بحث بازرسی و نظارت از آژانس مطرح می‌شود. جلیوند تصریح کرد: نکته اصلی در این مذاکرات، همچنان بحث محدودیت زمان و عدم امکان ادامه‌دار شدن مطول مذاکرات است. به طور ویژه طرف آمریکایی صبر چندانی در این زمینه ندارد. کل مدت زمان موجود برای ادامه مذاکرات در بهترین حالت بین ۲ تا ۴ ماه است. این که گفته

سیاست

دره‌بین

اهمیت تور خاورمیانه‌ای ترامپ

پشت پرده یک سفر جنجالی

یک دهه گذشته، اما تصویر ریاض هنوز هم ملو از رمز و راز و شگفتی است؛ با این پرسش که واقعا این کشور، نماد چه صحنه‌ای است؟ گوی درخشانی از مرکز اتاقی تاریک که اطرافش با صفحه‌های نمایش کامپیوتری احاطه شده، نور می‌تاباند. نشریه آتلانتیک مدعی شد: سه رهبر جهان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی و عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر در سکوت و به آرامی نزدیک شدند. هر سه، دستان خود را روی آن کره سفید درخشان گذاشتند و تقریباً دو دقیقه آن را نگه داشتند. نور، صورت‌هایشان را از پایین روشن می‌کرد؛ گویی بالای گران‌ترین آتش اردوگاهی دنیا ایستاده بودند. هیچ‌کس حرفی نزد. ملانیا ترامپ، بانوی اول وقت آمریکا، نیز لحظه‌ای گوی را لمس کرد؛ که با دقت بیشتر، مشخص شد کره زمین است. عکس‌ها و ویدیوهای آن صحنه بلافاصله در فضای مجازی پخش شد و بسته به دیدگاه سیاسی بینندگان، یا پل فرماندهی یک سفینه در سریال پشستان‌افضا را تداعی می‌کرد یا نشست شرورترین دشمنان جیمز باندر. هیچ‌یک از رهبران به درستی نمی‌دانستند چه کار باید بکنند. در لحظه‌ای ترامپ لبخندی کج بر لب آورد.

میهمانی نامتعارف

این رسانه در ادامه آورد: نخستین سفر خارجی دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ که قرار است دوشنبه انجام شود، تقریباً هشت سال پس از اولین سفر خارجی‌اش در دوره اول کلیدی می‌شود و باز هم از همان‌جا شروع خواهد شد؛ پایتخت عربستان سعودی، بسیاری از محورهایی که در سفر سال ۲۰۱۷ ترامپ مطرح بود، همچنان برجاست؛ حمایت ترامپ از اسرائیل، علاقه‌اش به حکام اقتدارگرا، سیاست مهارت قدرت ایران و اولویت دادن به معاملات تجاری به جای دغدغه‌های انسانی. اکنون، مانند آن زمان، متحدان اروپایی با نگرانی نظاره‌گرند. با وجود تمام جلوه‌های نمایشی آن سفر نخست، آنچه واقعا اهمیت داشت، امتناع ترامپ از بیان سخنانی بود که روسای جمهور آمریکا معمولاً بر زبان می‌آورند. او کوچک‌ترین تلاشی برای دفاع علنی از دموکراسی و حقوق بشر در عربستان نکرد. در اسرائیل و کرانه باختری نیز تأیید صریح سیاست دیرینه آمریکا مبنی بر راه حل دوکشوری خودداری کرد. ترامپ در آخرین مرحله سفر، در اروپا، حتی از تأیید آشکار اصل دفاع جمعی که ستون فقرات امنیت فراتلانتیک است سر باز زد. آنچه در آن زمان شوکه‌کننده بود، اکنون عادی شده است. در واقع، ترامپ با آن سفر، نقشی را که امروز به‌طور کامل ایفا می‌کند، برای اولین بار به نمایش گذاشت؛ یک بازیگر جهانی غیرمتعارف. در سال ۲۰۱۷، رهبران جهان هنوز در حال آشنا شدن با رئیس‌جمهور جدید آمریکا بودند. می‌دانستند باید او را تحسین کنند، اما نمی‌دانستند واقعه‌ای چه چیزهایی باور دارد و چگونه قدرت‌ش را به کار خواهد گرفت. اکنون، ابهامات کمتری درباره ترامپ وجود دارد؛ کسی که از زمان بازگشت به قدرت، بی‌محابه تضعیف اتحادها، آغاز جنگ تجاری جهانی و ترجیح دادن رژیم‌های خودکامه بر دموکراسی‌ها پرداخته است. اما او در زمان‌های بحرانی به خاورمیانه بازمی‌گردد؛ در بحبوحه بحران انسانی و دگرگونی مجدد در خزه و همچنین مذاکراتی کشنده درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران. دیدگاه معاملاتی ترامپ به سیاست خارجی حالا ردیکال‌تر شده و قرار است در این سفر کاملاً نمایان شود. از لحظه‌ای که هوایمیای ریاست جمهوری آمریکا در گرمای بالای ۴۰ درجه ریاض در ماه مه ۲۰۱۷ به زمین نشست، معلوم بود سعودی می‌فهمیده‌اند چگونه دل ترامپ را به‌دست آورند. ترامپ که برای نخستین بار به‌عنوان رئیس‌جمهور پایه خاک‌کشوری خارجی می‌گذاشت، بر روی فرش قرمز قدم گذاشت و شخص پادشاه به استقبالش آمد؛ افتخاری که نصیب باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین، نشده بود. توب‌ها شلیک شدند و جت‌های نظامی عربستان در آسمان غرش کردند. در مسیر عبور کاروان از خیابان‌های خالی شهر، تصاویر غلیظی از ترامپ و ملک سلمان را بر فراز اکثریل‌ها و ساختمان‌ها دیده می‌شد. سپس مراسمی مجلل با قهوه‌هل‌دار و اهدای مدال در کاخ سلطنتی برگزار شد؛ افتخاراتی که معمولاً فقط به اعضای خاندان سلطنتی تعلق می‌گیرد. تصویر ترامپ حتی بر دیواره هتل ریتز-کارلتون که در آن اقامت داشت نیز تابانده شده بود؛ هتلی مجلل رفقای سیاسی ولیعهد محمد بن سلمان تبدیل شد.

رگ خواب ترامپ

به ادعای آتلانتیک، گوی مرموز، رخدادی شگفت انگیز بود با این حال آن نیز در قیاس با رقص شمشیر سنتی که چند ساعت بعد در مرکز فرهنگی رسمی عربستان برگزار شد، کم‌آورد؛ رقصی که استیو بنن، مشاور ملی‌گرای ترامپ، هم در آن حضور داشت و در کنار شاهزادگان سعودی با شمشیر چند حرکت اجرا کرد. تمام مراسم در ریاض، عظیم و باشکوه طراحی شده بود تا رئیس‌جمهور آمریکا را تحت تأثیر قرار دهد و به نظر می‌رسید حکام با شاهی‌مقصدی شده‌اند. سفر دوشنبه به مراتب محدودتر از تور گسترده سال ۲۰۱۷ خواهد بود؛ تنها سه توقف در کشورهای حوزه خلیج فارس عربستان، قطر و امارات متحده عربی در چند روز. تمرکز اصلی ترامپ بر تجارت خواهد بود؛ از سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری گرفته تا فروش تسلیحات و همکاری‌های مشترک در پروژه‌های هوش مصنوعی. یک «فروم سرمایه‌گذاری سعودی-آمریکایی» در جریان سفر ترامپ برگزار خواهد شد و برنامه‌هایی مشابه نیز برای امارات در حال طراحی است. یکی از دیپلمات‌هایی که کشورش میزبان ترامپ خواهد بود و نخواست نامش فاش شود در این باره گفت که تمرکز اصلی این سفر بر دستاورد مالی مایلموس خواهد بود. نه بر گشودن گره‌های دیپلماتیک. او گفت درباره آینده برنامه هسته‌ای ایران نیز از محورهای اصلی این سفر است. تهران به ادعای ناظران، در آستانه گریز هسته‌ای قرار دارد؛ موضوعی که اسرائیل و دیگر همسایگان ایران، از جمله عربستان، با آن به شدت مخالف‌اند. درون دولت ترامپ، درباره مسیری که باید در قبال تهران در پیش گرفت، اختلاف نظر وجود دارد؛ جناح تندرو از دیدگاه نتانیاهو حمایت می‌کند که خواهان برچیدن کامل برنامه هسته‌ای ایران است، در حالی که دیگری مانند وزیر خارجه، مارکوروئو، مایل‌اند این برنامه‌ای صرفاً صلح‌آمیز داشته باشد. ترامپ با استفاده از نیروی نظامی مخالفت کرده و اخیراً در برنامه «میت د پرس» مدعی شده که خواهان «برچیدن کامل» برنامه هسته‌ای ایران است؛ درخواستی که تهران پیش‌تر رد کرده بود. با این حال، به گفته دو مقام آمریکایی، برخی در دولت معتقدند که امکان دستیابی به توافقی در آینده نزدیک وجود دارد.